

## آئینه شهر

## آغاز طرح جمع آوری پسماندهای الکتریکی، الکترونیکی و لاستیک در سامانه «نوماند»



مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران از آغاز اجرای آزمایشی طرح جمع‌آوری پسماندهای الکتریکی، الکترونیکی و لاستیک‌های فرسوده از طریق سامانه «نوماند» با هدف تفکیک فلزات سنگین و خطرناک از زباله‌های خانگی خبر داد.

محسن قضاقلو در گفت‌وگو با خبرنگار شهر با اعلام خبر افزوده شدن بخش پسماندهای الکتریکی، الکترونیکی و لاستیک به سامانه نوماند اظهار داشت: این طرح به صورت پایلوت از روز گذشته -۲۴ فروردین‌ماه ۱۴۰۵- آغاز شده و پایداری آن منوط به استقبال شهروندان و شاخص‌هایی نظیر میزان ثبت سفارش و نظرات کاربران در سامانه ۱۳۷، ۱۸۸۸ و خط پشتیبانی ۱۸۰ خواهد بود. شهروندان تهرانی اکنون می‌توانند با مراجعه به اپلیکیشن «شهرزاد»، درخواست اعزام خودرو برای تحویل پسماندهای الکترونیکی نظیر مانیتور، کیس و باتری و غیره همچنین لاستیک‌های فرسوده را ثبت کنند.

وی با اشاره به خطرات زیست محیطی پسماندهای الکتریکی و الکترونیکی افزود: این تجهیزات حاوی مواد سمی همچون آرسنیک، جیوه و روی هستند که مخلوط شدن آن‌ها با شیرابه زباله‌های عادی، تهدیدی جدی برای سلامت انسان و خاک محسوب می‌شود. در مقابل، تفکیک آن‌ها در مبدأ امکان استخراج فلزات گرانبها نظیر طلا و مس را فراهم می‌کند. در حال حاضر، سازمان مدیریت پسماند مسئولیت جمع‌آوری را بر عهده دارد و فرآیند بازیافت و تبدیل این مواد در شهرک‌های صنعتی توسط بخش خصوصی انجام می‌شود تا چرخه‌ی اقتصاد چرخشی با بهرووری بالاتری به حرکت درآید. قضاقلو در خصوص مدیریت لاستیک‌های کهنه نیز خاطرنشان کرد: لاستیک‌های فرسوده پس از تحویل توسط شهروندان به سامانه نوماند، وارد چرخه بازیافت شده و برای تولید محصولات کاربردی نظیر چمن مصنوعی و ضربه‌گیرهای پارک‌ها و محل بازی کودکان استفاده می‌شوند.

مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به نزدیکی ۳۱ فروردین ماه، روز ملی «گندم و نان» بر جایگاه ارزشمند نان در فرهنگ ایرانیان به عنوان برکت سفره تاکید کرد و گفت: شهروندان باید نان‌های مازاد را به صورت کاملاً مجزا از سایر پسماندها تفکیک کرده و به نوماند تحویل دهند؛ چرا که کپک نان یکی از سمی‌ترین آلودگی‌ها برای سلامت موجودات زنده است. نان‌های خشک جهت استفاده در صنایع مجاز، فرآوری می‌شوند تا از ورود آن‌ها به چرخه طبیعت جلوگیری شود.

وی در پایان با بیان اینکه آموزش و فرهنگ‌سازی کلید موفقیت مدیریت پسماند در کلان‌شهر تهران است، یادآور شد: هرچه تفکیک در مبدأ توسط شهروندان دقیق‌تر و جزئی‌تر انجام شود، فرآیند بازیافت در ایستگاه‌های میانی سریع‌تر و با کیفیت بیشتری صورت می‌گیرد. آگاهی شهروندان از خطرات تداخل فلزات سنگین با پسماندهای تر، مهم‌ترین انگیزه برای مشارکت در این طرح و صیانت از محیط‌زیست خواهد بود.

## نوسازی ناوگان خط ۸ تندرو تهران با اتوبوس‌های تولید داخل



مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از نوسازی خط ۸ تندرو این ناوگان طی روز چهارشنبه ۲۶ فروردین ماه سال جاری خبرداد.
به گزارش شهر به نقل از روابط عمومی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، مهدی علیزاده افزود: این اتوبوس‌ها از فردا -چهارشنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۴۰۵- وارد خدمت شده و از ظرفیت جایگاهی حداکثری مسافران برخوردارند.
وی با اشاره به ظرفیت بالای اتوبوس‌های جدید اظهار کرد: این اتوبوس ها سر فاصله حرکت را کاهش داده، با تهبویه پیشرفته و صندلی ارگونومیک آسایش را افزایش می دهند و آلودگی صوتی و هوایی را کم می کنند.
علیزاده تأکید کرد: تداوم نوسازی ناوگان اتوبوسرانی از ابتدای دوره ششم مدیریت شهری با جدیت در حال انجام است.
به گفته وی جایگزینی اتوبوس مدرن تولید ملی با ناوگان فرسوده، کیفیت سفر را ارتقا داده و خودکفایی را تقویت می کند.
مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران خاطرنشان کرد: تولیدات داخلی در ایمنی، کارایی و کیفیت تغییرات بسیاری داشته اند و شرکت با تکیه بر توان ملی، آینده حمل ونقل تهران را می‌سازد.

## ساماندهی ۳۸۹ آسیب‌دیده اجتماعی در پایانه‌های مسافربری تهران در ایام «جنگ رمضان»

معاون حمایت‌های اجتماعی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران از فعالیت ویژه مراکز فوریت‌های اجتماعی در پایانه‌های مسافربری پایتخت خبر داد و گفت: در ایام جنگ رمضان، ۳۸۹ نفر از آسیب‌دیدگان اجتماعی و افراد در راه‌مانده شناسایی و ساماندهی شدند.
یوسف مقدمی در گفت‌وگو با خبرنگار شهر با اشاره به حضور فعال مددکاران در پایگاه‌های مستقر در پایانه‌ها اظهار داشت: این اقدام با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی در مبادی ورودی و خروجی شهر و حمایت فوری از افرادی که به دلیل شرایط خاص این ایام دچار مشکل شده بودند، صورت پذیرفت.

وی با بیان اینکه بیشترین آمار مراجعان را «افراد در راه‌مانده» تشکیل می‌دادند، افزود: با تلاش شبانه‌روزی مددکاران، این افراد جذب و اقدامات لازم برای اسکان، بازگشت به خانواده یا ارجاع به مراکز حمایتی برای آن‌ها انجام شد. مقدمی در تشریح جزئیات عملکرد مراکز به تفکیک پایانه‌ها خاطرنشان کرد: در این بازه زمانی، ۱۱۷ نفر در پایانه جنوب، ۴۷ نفر در پایانه شرق، ۱۷۱ نفر در پایانه غرب و ۵۴ نفر در پایانه حرم مطهر امام خمینی (ره) مورد پذیرش و ساماندهی قرار گرفتند.

وی در پایان تأکید کرد: حضور مددکاران در پایانه‌های مسافربری به‌عنوان نقاط استراتژیک شهر، نقش کلیدی در کنترل بحران‌های فردی و جلوگیری از سرگردانی شهروندان و مسافران در شرایط حساس ایفا می‌کند.

کالبدشکافی پیامدهای انسانی جنگ ۴۰روزه

# از آتش تا آتش‌بس



## در این جنگ دست کم ۲۲۰ کودک جان خود را از دست داده‌اند. در زبان آمار، این عدد یک شاخص انسانی است. اما در واقع، این عدد به معنای ۲۲۰ داستانی است که هرگز نوشته نخواهد شد

در حالی که دیپلمات‌ها در اسلام‌آباد برای تثبیت آتش‌بس و ورود به توافقی موثر وارد گفت‌وگو شده‌اند، ابعاد واقعی جنگ چهل‌روزه تازه آشکار می‌شود. تخریب گسترده مسکن، فروپاشی اقتصادهای خرد، آسیب به زیرساخت‌های حیاتی و مرگ صدها غیرنظامی نشان می‌دهد که مذاکره تنها پایان درگیری نظامی است؛ جامعه‌ای که از دل جنگ بیرون آمده با بحرانی عمیق‌تر در حوزه بازسازی اجتماعی، اقتصادی و انسانی روبه‌روست.

به گزارش رکتا، صبح ۲۲ فروردین ۱۴۰۵، در اسلام‌آباد دیپلمات‌ها پشت میز مذاکره نشستند؛ اما آنچه درباره‌اش مذاکره شد، صرفاً یک منازعه نظامی نیست. پشت میزها، سایه چهل روزی ایستاده است که در آن نه‌تنها شهرها، بلکه لایه‌های عمیق زندگی اجتماعی یک کشور شکافته شده.

جنگی که از ۹ اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد و در ۱۹ فروردین با آتش‌بس متوقف شد، در ظاهر پایان یافته است. اما در واقعیت، پیامدهای آن تازه آغاز شده‌اند.

آنچه باقی مانده مجموعه‌ای از اعداد است؛ اما در عدد در حقیقت نشانه شکسته شدن یک سازوکار حیاتی در جامعه است.

**شهرهای بی‌پناه؛ وقتی خانه به میدان جنگ تبدیل می‌شود**

بیش از ۱۱۷ هزار ساختمان در جریان حملات آسیب دیده یا تخریب شده‌اند. در ادبیات جنگ، تخریب ساختمان‌ها معمولاً به عنوان خسارت زیرساختی طبقه‌بندی می‌شود؛ اما در علوم اجتماعی، خانه تنها یک سازه نیست. خانه مرز میان امنیت و ناامنی است.

وقتی خانه‌ها فرو می‌ریزند، تنها دیوارها نیستند که از میان می‌روند؛ مفهوم «پناه» از بین می‌رود. خانواده‌هایی که شب‌ها در اتاق‌هایی می‌خوابیدند که باریشان نماد ثبات بود، ناگهان با تجربه‌ای مواجه می‌شوند که جامعه‌شناسان از آن با عنوان «بی‌خانمانی جنگی» یاد می‌کنند.

در چنین شرایطی، خانواده‌ها به زندگی موقت و ناپایدار رانده می‌شوند، خانه‌های موقت، جابه‌جایی‌های پی‌درپی، و نسلی از کودکان که خاطره کودکی‌شان نه با اتاق خود، بلکه با چمدان‌ها گره می‌خورد.

تجربه جنگ در بوسنی و اوکراین نشان داده است که تخریب گسترده مسکن می‌تواند ساختار جمعیتی شهرها را برای دهه‌ها تغییر دهد. مهاجرت داخلی افزایش می‌یابد، محله‌ها از هم

می‌پاشند و حافظه جمعی شهرها دچار گسست عمل می‌شود.

**اقتصادهای خرد خاموش؛ وقتی معیشت ناپدید می‌شود**

بیش از ۲۲ هزار مغازه و واحد کسب‌وکار کوچک در این جنگ نابود شده‌اند. در ظاهر، این تنها عددی در بخش اقتصاد است؛ اما در واقع، هر مغازه بخشی از شبکه ظریف معیشت شهری است.

اقتصاد خرد همان جایی است که زندگی واقعی جریان دارد، نانوایی‌ای که هر صبح صف دارد، مغازه‌ای که نسل‌ها در یک خانواده اداره شده، یا کارگاهی که چند کارگر با دست‌هایشان آینده خود را می‌سازند. با نابودی این واحدها، چیزی فراتر از سرمایه مالی از بین می‌رود. اعتماد اقتصادی فرو می‌ریزد. مردم دیگر نمی‌دانند آیا سرمایه‌گذاری کوچکشان فردا هنوز وجود خواهد داشت یا نه.

در بسیاری از جوامع جنگ‌زده، نابودی اقتصاد خرد به پدیده‌ای منجر شده که اقتصاددانان آن را «فقر پساجنگی پایدار» می‌نامند؛ وضعیتی که در آن بازسازی اقتصادی سال‌ها طول می‌کشد و طبقه متوسط شهری به تدریج فرسوده می‌شود.

**ضربه به صنایع راهبردی؛ جنگی که به آینده اقتصادی حمله می‌کند**

حمله به ۱۰ مجتمع پتروشیمی تنها یک عملیات نظامی علیه تأسیسات صنعتی نیست. این حمله در واقع به آینده اقتصادی یک کشور هدف می‌زند. صنایع انرژی و پتروشیمی معمولاً ستون‌های اصلی اقتصاد ملی هستند. تخریب آنها به معنای کاهش تولید، کاهش صادرات و در نهایت کاهش منابع مالی برای بازسازی کشور است.

اما پیامد عمیق‌تر آن در سطح روانی و سرمایه‌گذاری رخ می‌دهد. سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در فضایی که زیرساخت‌های کلیدی آن آسیب‌پذیر شده‌اند، اعتماد خود را از دست می‌دهند. در بسیاری از کشورها، بازسازی صنایع راهبردی پس از جنگ یک دهه یا بیشتر زمان برده است. جنگ در اینجا نه فقط حال، بلکه آینده اقتصادی را نیز زخمی می‌کند.

**شریان‌های قطع‌شده؛ وقتی حرکت یک کشور متوقف می‌شود**

تخریب پل‌ها و خطوط ریلی در مسیرهایی مانند تبریز، زنجان و کرج تنها یک اختلال فنی در حمل‌ونقل نیست. شبکه حمل‌ونقل در واقع سیستم گردش خون اقتصاد است.وقتی در برخی شریان‌ها قطع می‌شوند، زنجیره‌های تأمین از هم می‌پاشند. غذا دیرتر به شهرها می‌رسد، مواد اولیه

به کارخانه‌ها نمی‌رسد و خدمات امدادی کندتر عمل می‌کنند.

در بسیاری از جنگ‌ها، فروپاشی شبکه حمل‌ونقل باعث ایجاد نوعی فلج اقتصادی تدریجی شده است؛ وضعیتی که در آن حتی پس از پایان جنگ، اقتصاد برای مدت طولانی قادر به بازگشت به ریتم عادی نیست.

**کودکان کشته‌شده؛ مرگ آینده**

در این جنگ دست کم ۲۲۰ کودک جان خود را از دست داده‌اند. در زبان آمار، این عدد یک شاخص انسانی است. اما در واقع، این عدد به معنای ۲۲۰ داستانی است که هرگز نوشته نخواهد شد.

کودکی که کشته می‌شود، تنها زندگی خود را از دست نمی‌دهد؛ آینده‌ای که می‌توانست بسازد نیز از میان می‌رود. در علوم توسعه، کودکان به عنوان سرمایه انسانی آینده شناخته می‌شوند. مرگ آنها به معنای کاهش ظرفیت بلندمدت یک جامعه است.

اما آسیب عمیق‌تر در میان کودکان زنده رخ می‌دهد. کودکانی که جنگ را دیده‌اند اغلب با خاطراتی بزرگ می‌شوند که برای ذهن کودکان‌شان بیش از حد سنگین است، صدای انفجار، خانه‌های ویران، یا صندلی خالی یک دوست در کلاس.

پژوهش‌های جهانی نشان داده‌اند که کودکانی که جنگ را تجربه می‌کنند، سال‌ها بعد نیز با اضطراب، افسردگی و بی‌اعتمادی اجتماعی دست‌وپنجه‌نرم می‌کنند.

**مرگ زنان؛ فروپاشی ستون‌های نامرئی جامعه**

در میان قربانیان جنگ دست کم ۲۵۷ زن غیرنظامی جان خود را از دست داده‌اند. در بسیاری از تحلیل‌های نظامی، مرگ زنان به عنوان تلفات غیرنظامی ثبت می‌شود. اما در جامعه‌شناسی خانواده، زنان اغلب مدیران نامرئی زندگی روزمره هستند.

آنها مراقبت از کودکان، سالمندان و مدیریت عاطفی خانواده را بر عهده دارند. وقتی این نقش از میان می‌رود، خانواده‌ها با نوعی خلأ ساختاری مواجه می‌شوند.

در بسیاری از جوامع جنگ‌زده، مرگ زنان به افزایش فقر خانوار، ترک تحصیل کودکان و گسترش آسیب‌های اجتماعی منجر شده است. جنگ در اینجا نه تنها انسان‌ها را می‌گیرد، بلکه تعادل ظریف خانواده‌ها را نیز از هم می‌پاشد.

**مدارس ویران؛ تولد یک نسل گمشده**

در این جنگ ۷۶۳ مدرسه تخریب شده و ۲۴۱

## فرهنگ و جامعه

دانش‌آموز و ده‌ها معلم جان باخته‌اند. مدرسه تنها محل آموزش نیست؛ یکی از معدود فضاهایی است که برای کودکان نظم و ثبات ایجاد می‌کند. وقتی این فضا از بین می‌رود، کودکان نه تنها آموزش بلکه حس آینده‌مندی را نیز از دست می‌دهند.

در مطالعات جنگ، اصطلاحی وجود دارد به نام «نسل گمشده آموزشی»؛ نسلی که به دلیل وقفه طولانی در تحصیل، برای همیشه از مسیر توسعه انسانی عقب می‌ماند.

کشورهایی که چنین نسلی را تجربه کرده‌اند، ده‌ها بعد نیز با پیامدهای آن مواجه بوده‌اند: نرخ پایین مهارت، درآمد کمتر و نابرابری اجتماعی گسترده‌تر.

**بیمارستان‌های زخمی؛ بحران در قلب نظام سلامت**

در جریان جنگ، دست کم ۳۲۲ مرکز درمانی آسیب دیده، ۱۱۷ نفر از کادر درمان مجروح شده‌اند و ۲۶ نفر جان باخته‌اند. بیمارستان‌ها در هر جامعه نماد آخرین خط دفاع در برابر مرگ هستند. وقتی این مراکز آسیب می‌بینند، جامعه احساس می‌کند حتی آخرین پناهگاهش نیز امن نیست.

از دست رفتن پزشکان و پرستاران نیز ضربه‌ای عمیق به سرمایه انسانی است. تربیت یک پزشک سال‌ها زمان و منابع نیاز دارد. اما جنگ می‌تواند این سرمایه را در چند لحظه نابود کند.

به همین دلیل در حقوق بشردوستانه بین‌المللی، بیمارستان‌ها و کادر درمان بالاترین سطح حفاظت را دارند؛ زیرا حمله به آنها به معنای حمله به امکان نجات جان انسان‌هاست.

**میراث فرهنگی زخمی؛ وقتی حافظه یک ملت آسیب‌می‌بیند**

در این جنگ دست کم ۵۵ کتابخانه آسیب دیده و بیش از ۱۲۰ اثر تاریخی خسارت دیده‌اند. ویرانی آثار تاریخی تنها نابودی چند ساختمان قدیمی نیست. این آثار بخشی از حافظه جمعی یک ملت هستند. آنها به جامعه یادآوری می‌کنند که از کجا آمده و چگونه به امروز رسیده است.

وقتی این آثار آسیب می‌بینند، جامعه نه تنها بخشی از گذشته خود را از دست می‌دهد، بلکه پیوند میان نسل‌ها نیز تضعیف می‌شود.

به همین دلیل کنوانسیون ۱۹۵۴ حفاظت از میراث فرهنگی در جنگ را وظیفه‌ای جهانی می‌داند؛ زیرا این آثار بخشی از تاریخ مشترک بشریت هستند.

**تاب‌آوری در میان ویرانی؛ زندگی که تسلیم نشد**
با وجود تمام این خسارات، در بسیاری از شهرها زندگی متوقف نشد.نانوایی‌هاصبح‌ها نان پختند، پزشکان بیمارستان‌ها را ترک نکردند و معلمانی که مدارسشان تخریب شده بود در خانه‌ها برای کودکان کلاس آنلاین برگزار کردند.

در علوم اجتماعی، این پدیده را تاب‌آوری اجتماعی می‌نامند، توانایی جامعه برای ادامه زندگی حتی زمانی که ساختارهایش آسیب دیده‌اند.اما تاب‌آوری به معنای بی‌هزینه بودن جنگ نیست. جامعه ممکن است ایستادگی کند، اما زخم‌ها باقی می‌مانند.

**چهل روز، زخمی برای ده‌ها**

در تقویم نظامی، این جنگ تنها چهل روز طول نکشد. اما در حافظه اجتماعی، چنین جنگ‌هایی اغلب نسل‌ها باقی می‌مانند.وقتی دیپلمات‌ها در اسلام‌آباد درباره آینده مذاکره می‌کنند، در واقع درباره آینده جامعه‌های تصمیم می‌گیرند که هنوز در حال شمارش مردگان، بازسازی خانه‌ها و التیام زخم‌های خود است.جنگ ممکن است با آتش‌بس پایان یابد. اما پیامدهای انسانی آن، معمولاً بسیار دیرتر خاموش می‌شوند.

### ذخایر استراتژیک دارو در جنگ دست نخورد

عضو هیئت مدیره انجمن داروسازان ایران گفت: در جنگ رمضان، ذخایر استراتژیک دارویی کشور دست نخورد.
هادی احمدی، در گفتگو با خبرنگار مهر به وضعیت دارو در جنگ اخیر اشاره کرد و افزود: در جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونی به کشورمان، با کمبود دارویی مواجه نبودیم.
وی با عنوان این مطلب که تاب آوری صنعت دارویی کشور از سطح بالایی برخوردار است، اظهار داشت: اگر جنگ اخیر طولانی‌تر می‌شد، باز هم دچار کمبود دارو نمی‌شدیم.

روابط عمومی انجمن داروسازان ایران تأکید کرد: مردم در جنگ اخیر نگران کمبود دارو نبودند و ذخایر استراتژیک دارویی کشور نیز دست نخورده است. احمدی با اشاره به گستردگی نظام دارویی کشور، افزود: وجود ۱۸ هزار داروخانه در سطح کشور، وضعیت دسترسی مردم به دارو را تسهیل کرده است.

وی با اعلام اینکه در طول جنگ اخیر ۲۵ واحد دارویی به صورت مستقیم و غیرمستقیم آسیب دیده‌اند، ادامه داد: به رغم این آسیب‌ها، اما صنعت داروسازی به صورت شبانه روزی مشغول تولید دارو بود.

عضو هیئت مدیره انجمن داروسازان ایران گفت: وقتی می‌گوییم که ۹۸ درصد بازار دارویی کشور در اختیار تولید داخل است، اهمیت آن در چنین شرایطی نمایان می‌شود.

